

نمایشنامه‌ی



**ثرور**

فردیناند فون شیراخ  
ترجمه‌ی رحمان افشاری



۷	..... پرده‌ی اول
۸۱	..... پرده‌ی دوم
۹۹	..... احکام
۱۱۱	..... پس گفتار مترجم

رئیس دادگاه جلوی پرده می‌آید. کت و شلوار سیاه و پیراهن سفید پوشیده و کروات سفید زده است. ردا را روی دستش انداخته است. مستقیماً با تماشاگران حرف می‌زند.

## رئیس دادگاه

روز به خیر، خانم‌ها و آقایان. خوشحالم که توانستید به موقع برسید. اینجا جای پارک سخت پیدا می‌شود، ساختمان هم تاحدی پیچ‌درپیچ ساخته شده ... در هر حال چه خوب که موفق شدید سر وقت اینجا باشید. قبل از اینکه شروع کنیم، می‌خواهم ازتان خواهش کنم هر چه را که تا به حال درباره‌ی این پرونده خوانده یا شنیده‌اید، فراموش کنید. واقعاً همه‌اش را. در اینجا این فقط شماست که صلاحیت دارید قضاوت کنید، شما در اینجا هیئت منصفه‌اید، اعضای هیئت منصفه‌اید، که امروز درباره‌ی متهم پرونده، لارس کُخ (Lars Koch)، به قضاوت نشست‌اید. قانون این قدرت را به شما می‌دهد که درباره‌ی سرنوشت یک انسان تصمیم‌گیری کنید. خواهش می‌کنم این مسئولیت را جدی بگیرید. شما فقط درباره‌ی آنچه در اینجا، در این دادرسی، می‌شنوید، حکم صادر خواهید کرد. ما حقوق‌دان‌ها به این می‌گوییم: «استخراج حکم از بطنِ دادرسی اصلی»، و این یعنی: فقط آنچه متهم، شهود، شاک‌های

خصوصی و کارشناس‌ها در این سالن دادرسی می‌گویند، فقط شواهد و مدارکی که ما در اینجا ارائه می‌کنیم، اساس صدور حکم شما قرار خواهند گرفت. در پایان محاکمه باید رأی بدهید، و من همان حکمی را اعلام خواهم کرد که شما صادر می‌کنید.

در محکمه‌ی حقوقی<sup>۱</sup> ما جرم را بازآفرینی می‌کنیم؛ دادگاه نوعی صحنه است. طبیعی است که نمایشنامه اجرا نمی‌کنیم، چون هرچه باشد، کار ما بازیگری نیست. ما جرم را به کمک زبان بازآفرینی می‌کنیم؛ این شیوه‌ی ما برای درک جرم است، شیوه‌ای که مدت‌هاست موفق از کار درآمده است. صدها سال پیش قاضی‌ها در میدانی خاص، که مقدس شمرده می‌شد، در محکمه‌ای سر باز موسوم به تینگ (Thing) جمع می‌شدند. حکم کردن در آن زمان به معنای به نظم درآوردن مجدد بی‌نظمی بود. اگر بلیه‌ای پیش می‌آمد - مثل حمله‌ی قبیله‌ای غریبه - در این میدان بارها و بارها صحبت می‌شد که: به کدام زن در این حمله تجاوز شد؟ کدام کلبه به آتش کشیده شد؟ کدام مرد به قتل رسید؟ پیشینیان ما می‌دانستند که شرّ می‌تواند با این کار چهره‌ی ترسناکش را از دست بدهد. آیا ما هم امروز در چنین کاری موفق خواهیم بود؟ مطمئن نیستیم. اما باید تلاش خودمان را بکنیم. قاضی مقوله‌ای به اسم «شرّ» نمی‌شناسد. حکم‌های او جهنم و لعنت ابدی نیستند، بلکه تبرئه، زندان یا بازداشت موقت‌اند.

بنابراین با آرامش و خونسردی قضاوت کنید. و در وهله‌ی اول به این فکر کنید که مقابل شما یک انسان نشسته است؛ او همان آرزوهایی را دارد که شما دارید، همان نیازها را، او هم مانند شما به دنبال خوشبختی است. بنابراین در موقع صدور حکم<sup>۱</sup> خودتان هم انسان بمانید.

بسیار خوب، حالا دیگر می‌خواهم شروع کنم، اما باید منتظر وکیل مدافع باشیم - هنوز نیامده.

مأمور انتظامی دادگاه از پشت به رئیس دادگاه نزدیک می‌شود، آهسته چیزی به او می‌گوید، رئیس دادگاه با تکان دادن سر تأیید می‌کند. مأمور از صحنه خارج می‌شود.

**رئیس دادگاه** شنیدم که وکیل مدافع بالاخره رسید. خوب، پس شروع می‌کنیم.

رئیس دادگاه از صحنه خارج می‌شود و موقع رفتن به سرعت ردایش را می‌پوشد.